فایل شماره ۱۲۷۵ \_ سوره انبیاء

**ایمانِ پایدار**

**با**

**فکرِ فعّال**

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین و صلّی الله علی سیّدنا و نبیّنا و حبیب الهنا ابوالقاسم محمد صلّی الله علیه واله الطاهرین سیّما بقیّة الله مولانا الحجّة ابن الحسن عَجَّل الله تعالی فرجه الشریف و لعنة الله اعدائهم اجمعین الی یوم الدین

**مسئله ی شرعی:وجوب قیام در نماز**
درباره ی قیام نماز عرض شد مادامی که برای انسان مقدور است به هر نحوی قیام را انجام بدهد ، واجب است که انجام بدهد ، ولو اینکه یک رکعت یا نصف رکعت را بتواند یا اینکه با کمک تکیه دادن به عصا یا کسی و یا دیوار و چیزی لازم است آن مقدار قیام انجام شود اما اگر از همه ی اینها عاجز بود و به هیچ کیفیتی قادر بر قیام نبود وظیفه اش جلوس است یعنی بنشیند اگر از جلوس هم عاجز شد و نتوانست بنشیند !نوبت می‌رسد به حالت خوابیدن ، در بیمارستان است در بستر افتاده قادر نیست نه بایستد و نه بنشیند ، در حال درازکش همانطور که میّت را در قبر می‌گذارند نمازش را بخواند و باز هم اگر نتوانست ، به پهلوی چپ دراز بکشد و رویش به سمت قبله باشد و بازهم اگر نتوانست باید به پشت بخوابد درحالیکه کف پاهایش به سمت قبله باشد و بعد رکوع و سجده را با اشاره سر یا چشم بخواند چون نماز در هیچ صورت نباید ترک شود. .

بسم الله الرحمن الرحیم

فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ [[1]](#footnote-2)

پس كسی كه برخی از كارهای شایسته را انجام دهد در حالی كه مؤمن باشد، نسبت به تلاش او ناسپاسی نخواهد شد، و ما یقیناً [سعی و تلاش او را] برایش می‌نویسیم.

**یگانه بودن ربّ و معبود ما**

در دو آیۀ قبل به این اشاره شد که نوع بشر امّت واحدی است ( إِنَّ هَٰذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ[[2]](#footnote-3)1 ) قهراً ربِّ واحد مسیر و مقصدِ واحدی هم دارد که به معاد و رستاخیز واحد منتهی می‌شود همۀ افراد بشر دارای عقل و اراده و اختیارند و نوع واحدی دارند (وَ أَنَا رَبُّکُم ) من هم خالق شما و ربّ شما هستم مسلّماً همان کسی که خالق است ربّ و معبود شما نیز هست.
معبودیّت و الوهیّت لازمه ربوبیّت است و ربوبیّت لازمۀ خالقیت است چون خالق شماست شما را اداره می‌کند و از نقص به کمال می‌رساند و سرپرستی می‌کند پس آن کسی که ربّ شماست معبود شما هم هست ، و شما به او تعلق و نیاز دارید ( أَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ) بعد هم فرمود :

( وَتَقَطَّعُوٓا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ ۖكُلٌّ إِلَيْنَارَاجِعُونَ[[3]](#footnote-4)2 ) ولی [آنان] آیینشان را در میان خود قطعه قطعه کردند [و نسبت به دین گروه گروه شدند و به شدّت با هم اختلاف پیدا کردند]؛ و همۀ آنان به سوی ما باز خواهند گشت [تا کیفر سخت این گروه گرایی را ببینند.]

ولی متأسّفانه نوع بشر تابع این منطق نشدند و تفرقه ایجاد کردند و از این آزادی عمل که به آنها دادیم سوء استفاده کردند در حالی که عقل و اختیار و آزادی در عمل و حرّیت در فکر، وسیله ای بود که آنها راه مستقیم را پیدا کنند اما اهوای نفسانی بر آنها غالب شد و با ایجاد تفرقه، مسیر واحد را متعدّد کردند و ربّ واحد را به اربابی متعدّد تبدیل کردند .

( وَتَقَطَّعُوٓا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ ۖكُلٌّإِلَيْنَارَاجِعُونَ([[4]](#footnote-5)1 و در تقسیم بندی کلّی، انسانها دو دسته شدند ، گروهی مؤمن شده برنامۀ آسمانی را قبول کردند و گروهی قبول نکرده کافر شدند.

**سرنوشت مؤمنان و کافران از نگاه قرآن**

 قرآن کریم سرنوشت این دو گروه را چنین بیان می‌فرماید:

(فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ[[5]](#footnote-6)2) آن گروهی که ایمان آورده عمل کردند ما از ایشان سپاسگزاریم اینجا عظمت خالق و ناچیزی مخلوق را ببینید بعد تشکّر و سپاسگزاری معبود را مشاهده کنید ( فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ ) ما شکور هستیم ایمان به خدا و عمل صالح نفعش به خودِ انسان رسیده وگرنه سودی به حال خداوند ندارد ، نه طاعت و بندگی ما و نه عصیان و گناهان ما سود و زیانی به خالق ندارد ، تماماً به خودِ ما بر می‌گردد :

 گر جمله ی کائنات کافر گردند بر دامن کبریاش ننشیند گرد

 در عین حال لطف و تشکر هم می‌کند ( مَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ ) ما نخواستیم انسان همۀ صالحات را انجام بدهد ( مِنَ الصَّالِحَاتِ ) اینجا [مِنْ] تبعیض است یعنی قسمتی از صالحات را انجام بدهد ما اکتفا می‌کنیم مؤمن باشد و بعضی از اعمال صالحات را انجام بدهد نه همه کارهای نیک را و البتّه معلوم است هیچ کسی نمی‌تواند همه صالحات را انجام بدهد ، هر کسی شرایط خاصّی و وظائف خاصّی در همان حالِ خود دارد به حسب حال خود باید آن وظایف را انجام بدهد ولذا قسمتی از صالحات را انجام می‌دهد و این برای ما کافی است ، در یک شبانه روز اگر هفده رکعت نماز بخوانیم مگر کار سختی است ؟ مگر دشوار است ؟ یا در تمام سال یک ماه رمضان آنهم چند ساعت آن را امساک کنیم مگر کار مشکلی است ؟ در تمام مدت عمر یک بار حج بجا آوردن سخت است ؟

از ما نخواستند در هر یک ساعت ده رکعت نماز بخوانیم یا هرسال مکه برویم چنین کار شاقّی خداوند از ما نخواست بلکه فرمود قسمتی را انجام بدهد ما اکتفا می‌کنیم منتها باید مؤمن باشد تا این عملِ او از ایمان برخیزد این دو رکْن لازم است: ایمان در قلب باشد و عمل در جوارح ،و ایمان قلبی مولّدِ عمل باشد و عمل هم مولود ایمان باشد .

اگر یکی تنها باشد کافی نیست ، ممکن است کسی قلباً خدا را باور کند افراد ناپخته و خامی هستند از این حرفها می‌زنند که می‌گویند خدا را قبول دارم ولی نماز نمی‌خوانم و عمل صالح ندارند این ایمان باید مولّد باشد چون خدا را باور کرده دستورش را هم باید قبول کند ایمان به خداوند باید خاصّیت داشته باشد ایمان باید مولّد عمل باشد و عقیم نباشد اثر گزار باشد و یا ممکن است کسی عملی داشته باشد و خوب هم باشد امّا از ایمان سرچشمه نگرفته باشد اینهم ارزش ندارد و انسان را به سعادت نمی‌رساند ، سعادتِ انسان به حُکم قرآن معلول دو رکن است: یکی ایمان قلبی و دوم رکن عمل که در همه جای قرآن این مطلب آمده است.

**ایمان و عمل صالح در سورۀ مبارک والعصر**

 از جمله در سورۀ مبارک عصر آمده است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْر إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ

تمام انسانها در زیانکاری اند مگر یک گروه و آن آنها چه کسانی هستند ؟

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

آنها مؤمنِ صالح العمل هستند یعنی قلباً باور کرده و عملاً کار می‌کند این سبب سعادت او است و سعیش نزد ما مشکور است و ما کُفْران به سعی او نداریم و در روز قیامت اعمال او بی نتیجه نیست

 **آیه اشاره به آخرت دارد نه دنیا**

در دنیا شاید انسان تلاش کند ولی نتیجه ای که می‌خواهد حاصل نشود اینطور نیست که در دنیا هرکس تلاش کند به نتیجه برسد فلذا آیه ی شریفه که در سورۀ نجم آمده (وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَیٟ ([[6]](#footnote-7)1اشاره به آخرت دارد برخی آن را با دنیا تطبیق می‌دهند و می‌گویند در دنیا انسان آنچه که سعی می‌کند می‌بَرَد هر که سعی نکند نمی‌برد خیلی ها سعی می‌کنند اما به نتیجه نمی‌رسند بعضی ها سعی می‌کنند اما نتیجه اش به دیگران می‌رسد مثلا خیلی پدرها جمع کردند ولی بچّه ها که ذرّه ای تلاش نکردند خوردند ، و کلّی سرمایه نصیبشان شد این نیست که هرچه انسان می‌برد نتیجه ی سعی و تلاش اوست ، بسیاری از تلاشگران به نتیجه نمی‌رسند و بسیاری از بیکاران نتیجه ی کار دیگران را می‌خورند پس منظور از این آیه ( وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ) دنیا نیست . امّا در آخرت مسلّم است . یعنی در آخرت امکان ندارد کسی بهره ای ببرد امّا بدون تلاش خودش ! ( لا یَظْلِمُ رَبِّکَ أَحَدا [[7]](#footnote-8)2)امکان ندارد خداوند به احدی ظلم کند و هرکس هر سعی و تلاشی که کرده بهرمند می‌شود ، آنجا سعی پدر را به پسر نمی‌دهند و بالعکس سعیِ پسر را به پدر نمی‌دهند ( وَ اَنَّ سَعْیَهُ سَوْفَ یَری ) آنچه که نشانش می‌دهند سعیِ خودِ او را نشانش می‌دهند.

**تأکید آیات دیگر قرآن به آخرت اندوزی**

و در سوره ی ذاریات هم خداوند به دنبال آخرت افراد است. پس کسانی که در دنیا سعی برای آخرت خود می‌کنند ما سعی و تلاش آنها را مشکور قرار می‌دهیم و کفران نمی‎کنیم ( و انا له کاتبون )
ما همه را می‌نویسیم ، ضبط می‌کنیم و هیچ چیزی از دفتر ما مکتوم و مخفی نمی‌ماند .

و در سوره ی لقمان می‌خوانیم:

يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ ۚإِنَّا اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ[[8]](#footnote-9)1

پسرکم! اگر عمل هموَزن دانۀ خردلی و در درون سنگی یا در آسمان ها یا در دل زمین باشد،خدا آن را[ در قیامت برای حسابرسی] می‌آورد،یقیناً خدا لطیف و آگاه است.
مطمئن باش اگر عملی به اندازه دانه ی خردل که از ارزن هم کوچکتر است در آسمانها و در اعماق زمین وجود داشته باشد و حتی درلابه لای تخته سنگها قرار گرفته باشد ما آن را می‌آوریم( لاتظلم نفس شیئاً ) مسئله ای که قرآن بر آن تأکید دارد ایمان و عمل صالح است که نمی‌شود به سادگی از آن گذشت ، مسئله به دست آوردن ایمان، آنهم ایمان قلبی بسیار مهم است مایه می‌خواهد فقط به زبان نباشد (قالَتِ الْأعْرابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا[[9]](#footnote-10)1 ) بادیه نشینان گفتند: ما [از عُمق قلب] ایمان آوردیم. بگو شما هنوز ایمان نیاورده اید.

عدّه ای آمدند گفتند ما ایمان آوردیم به آنها گفته شد حرف نسنجیده نزنید ، ( ولکن قولوا اسلمنا ، ولکن لم تومنوا ، ولمّا یَدْخُلِ الایمان فی قلوبکم [[10]](#footnote-11)) گفتند اسلام آورده ایم زیرا هنوز ایمان در دل هایتان وارد نشده است.

چون هنوز ایمان در قلب شما وارد نشده مسئله قلبی است، ایمان باید به باور تبدیل بشود ، باور قلبی هم به این سادگی نیست ، برای وحدانیّت شهادت می‌دهید و بر نبوّت شهادت می‌دهید ولی در عمل اطاعت نمی‌کنید شما مؤمن نشده اید ( و لمّا یدخل الایمان ) زیرا هنوز ایمان در دل هایتان وارد نشده است.

گاهی لفظی را می‌گوییم و مفهوم آنرا نیز می‌دانیم ، و خیلی هم زیباست امّا نکته اساسی در کنار مفهوم عمل به آن دانسته است تا نتیجه بدهد بعضی ها درس می‌خوانند و می‌فهمند اما باور قلبی ندارند ، فهمیدن غیر دلبسته شدن است.

**عامل بودن غیر از عالم ناقل بودن**

این،دو مطلب است ، خیلی ها می‌فهمند اما دلبستگی ندارند پس فهم به آسانی به دست می‌آید از طریق کتابها ، مدرّسان و معلّمان امّا آنی که سخت است باور است که جوهر باور، قلب را رنگین کند آنهم به رنگ الله ... قلب انسان در مقابل فهمش تسلیم بشود ، چون خیلی ها می‌فهمند اما در مقابل فهمِ خود تسلیم نمی‌شوند ، (وَ جَحَدُوا بِها وَ اسْتَیْقَنَتْها اَنْفُسُهُمْ [[11]](#footnote-12)1) و آنها را در حالی که باطنشان به الهی بودن آن معجزات یقین داشت آن را انکار کردند

 اینطور نیست که هر عالمی مؤمن هم باشد ، شیطان از خیلی از ماها باسوادتر است اما مؤمن نیست بلکه کافر است او آنقدر فهمیده و دانا بود که ملائک فکر می‌کردند او از جنس فرشتگان است چون با همان فهمش سرِ آنها کلاه گذاشته بود تا زمانی که دستور رسید همه تسلیم بشوند اما در مقابل همانی که می‌فهمید تسلیم نشد ، می‌دانست خداوند خالق بی همتاست گفت : ( خلقتنی من النار و خلقته من طین [[12]](#footnote-13)2) قیامت را هم قبول داشت که وجود دارد ( الی یوم یبعثون[[13]](#footnote-14)3)فلذا خداشناسی مطلبی است و خدا باوری مطلب دیگری است ، ما علی شناس زیاد داریم امّا علی باور کم داریم ، خیلی از اهل تسنّن علی شناس هستند آنقدر خوب می‌شناسند و تحلیل و بررسی می‌کنند که شگفت آور است ابن ابی الحدید سنّی است مطالبی را که در مورد امیرالمومنین نوشته اگر کسی نداند و بخواند باور نمی‌کند سنّی باشد او امام شناس بود اما اهل تسلیم نبود ، خوب شناخته اند اما باور نکرده اند و در مقابلش خضوع ندارند و عمده همان تسلیم است.

**لزوم تفکّر برای کسب ایمان**

فلذا برای به دست آوردن ایمان، تفکّر لازم است و متأسّفانه ما تفکّر کم داریم و نمی‌دانیم تفکّر، خود عبادت است اصلا ما موظّف به تفکّریم چون عبادتِ اوّلِ ما تفکّر است ، خیلی زحمت می‌کشیم ، نماز زیاد می‌خوانیم سجده طولانی و ذکر زیاد می‌گوییم یا خیلی ها پول، خرج می‌کنند مکّه و کربلا و مشهد می‌روند و به فقرا رسیدگی می‌کنند اما عبادت تفکّر کم داریم ، در شبانه روز ما پانزده دقیقه تفکّر نمی‌کنیم!!
برای همه کارهامان وقت تعیین می‌کنیم ، غذا خوردن، خوابیدن ، مطالعه کردن ، اداره و کار کردن هایمان ، نماز خواندن ولی برای تفکّر زمانی تعیین نکرده ایم حداقل آخر شب در شبانه روز پانزده تا سی دقیقه به تفکّر بپردازیم بزرگان ساعت تفکّر دارند ، یکی از بزرگان در قم بود و از دنیا رفت ما طلبه بودیم و عقلمان نمی‌رسید آن زمان من هجده ساله بودم و با رفیقان برنامه مباحثه داشتیم و ساعت مباحثه یک ساعت قبل از اذان صبح در مسجد بالای سر همجوار حضرت معصومه علیها السلام برگزار می‌شد و هر موقع برای زیارت می‌رفتیم می‌دیدیم این بزرگوار آنجاست نماز شبش را خوانده تمام کارهایش را کرده فقط نشسته و درحال نشسته خم شده بود من فکر کردم در حال خواندن قرآن است یا مطالعه می‌کند اما بعد متوجه شدم آن، ساعت تفکّر ایشان بود . نیم ساعت به اذان صبح مانده ایشان عبادتِ تفکّر می‌کرد ، ( تفکر ساعه افضل من عبادة سنه یا سبعین سنه[[14]](#footnote-15)1 ) یعنی یک ساعت تفکّر از یکسال یا هفتاد سال عبادت بالاتر است.

 این حدیث از امام رضا علیه السلام و امام عسکری علیه السلام نقل شده ( لَیسَتِ العِبادَةُ کَثرَةَ الصِّیامِ وَ الصَّلاةِ[[15]](#footnote-16)2 ) همه ی عبادت به زیاد روزه گرفتن و نماز خواندن نیست ( إنَّمَا العِبادَةُ کَثرَةُ التَّفَکُّرِ [[16]](#footnote-17)3) کسی که اهل تفکّر باشد و مطالب را به خورد عقل و قلبش داده باشد این ایمانش ریشه دار است و به این سادگی از او گرفته نمی‌شود انسانهایی که بدون تفکّر زندگی می‌کنند با اندک تشکیکی از جاده منحرف می‌شوند ، ایمان و اعتقادات بدون ریشه اش را از او می‌گیرند، انسان متزلزل در عقاید خیلی خطرناک است خوب است انسان در شبانه روز یک ساعت یا نیم ساعت تفکّر کند.

**لزوم تفکّر در ادعیه ی مأثوره**

 ما دعاهایی داریم که انسان را به تفکّر وا می‌دارد دعای جوشن صغیر مختصر است آن را بخوانید نعمت هایی را که خداوند به انسان داده متذکّر می‌شود که در زمانهای مختلف عمرم چه بودم و چه خطرهایی در مقابل راهم بود و تو رفع کردی و نجاتم دادی لازم نیست دعا را تا آخر بخوانیم و تمام کنیم مثلا شب جمعه قرار نیست به سختی دعای کمیل را بخوانیم و تمام کنیم نه بلکه خوب است یک سطر یا دو سطر یا نیم صفحه بخوانیم اما با تفکّر و تعقّل باشد نه اینکه با خستگی بخوانیم و چرت بزنیم ، دعای ابوحمزه ثمالی را لازم نیست تا آخر بخوانیم هر شبی یک صفحه بخوانیم و در همین یک صفحه فکر کنیم یا اینکه دعای عرفه را قرار نیست روز عرفه فقط بخوانیم اینها به قصد ورود که نیست در همین دعای عرفه از زبان امام حسین علیه السّلام می‌خوانیم خدایا! من چه بودم و تو با من چه کردی و دائم تذکّر می‌دهد که چه شده که خداوند این همه لطف به انسان کرده و برکات مادّی و معنوی برسر انسان ریخته در مورد اینها فکر کنیم ، انسان، متفکّر که شد کم کم عالِم می‌شود و علم به اینها پیدا می‌کند و عزم در انسان پیدا می‌شود و تصمیم می‌گیرد و قاطع می‌شود.

**شنیدن ساز و آواز سست کننده ی اراده ی ایمانی انسان**

یکی از عواملی که اراده ی انسان را ضعیف می‌کند گوش کردن به ساز و آواز است ، بزرگان فرمودند: موسیقی های دارای غنا ، اراده ی ایمانی انسان را سست کرده و از بین می‌برند به حکم قرآن ( وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ[[17]](#footnote-18)1 ) به شیطان خطاب شده است از آنان هر كه را توانستی با آوازت [به سوی باطل‌] برانگیز.

ای شیطان! تو با صدایت می‌توانی عقیدۀ مردم را سست کنی ، استفزاز یعنی شُل کردن و انسان آماده ی انحراف می‌شود پس آهنگ ها و صداهای غنا این اثر وضعی را بر روی انسان دارد ، حالا چه باور بکند یا نکند وضعاً این اثر را دارد ، اصلا در روایت تفسیر شده صوت شیطان غناست یا همان موسیقی حالا بعضی ها گفته اند با موسیقی به خدا می‌رسند! ولی قرآن گفته با صدای شیطان سست و سبک می‌شوید ، شل می‌شوید و به خدا نمی‌رسید یا در قرآن سوره لقمان آمده است که :

وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا ۚأُولئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ[[18]](#footnote-19)2

و برخی از مردم‌ سخنان باطل وسرگرم‌كننده را می‌خرند تا از روی نادانی [مردم را] از راه خدا گمراه كنند و آن را به مسخره بگیرند؛ برای آنان عذابی خواركننده خواهد بود.

از مصادیق لهو الحدیث طبق روایات همان صدای شیطانی و غناست ، کسانی که با لهو الحدیث سرو کار دارند

 ( اذا تتلی علیه آیاتنا ولّیٟ مستکبراً [[19]](#footnote-20)1) همین که آیات ما به گوشش برسد با بی اعتنایی می‌گذرد ( کان فی اذنیه وقرا[[20]](#footnote-21)2 ) مثل این که گوش او سنگین است و چیزی نمی‌شنود و خلاصه اینکه ساز و آواز و انس با این لهویّات عزم انسان را از بین می‌برد و او را فردی ضعیف الایمان و ناتوان می‌سازد.

 و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

1. . سورۀ انبیاء، آیۀ 94 [↑](#footnote-ref-2)
2. 1 . سورۀ انبیاء، آیۀ 92 [↑](#footnote-ref-3)
3. 2 . سورۀ انبیاء، آیۀ 93 [↑](#footnote-ref-4)
4. 1 .سورۀ انبیاء، آیۀ 93 [↑](#footnote-ref-5)
5. 2 . سورۀ انبیاء، آیۀ 94 [↑](#footnote-ref-6)
6. 1 . سورۀ نجم، آیۀ 39 [↑](#footnote-ref-7)
7. 2 . سورۀ کهف، آیۀ 49 [↑](#footnote-ref-8)
8. 1 . سورۀ لقمان، آیۀ 16 [↑](#footnote-ref-9)
9. 1 . سورۀ حجرات، آیۀ 14 [↑](#footnote-ref-10)
10. . همان [↑](#footnote-ref-11)
11. 1 . سورۀ نمل، آیۀ 14 [↑](#footnote-ref-12)
12. 2. سورۀ اعراف، آیۀ 12 [↑](#footnote-ref-13)
13. 3 . سورۀ اعراف، آیۀ 14 [↑](#footnote-ref-14)
14. 1 .الکافی، ج2، ص55 [↑](#footnote-ref-15)
15. 2 .تحف العقول، 442 [↑](#footnote-ref-16)
16. 3 .همان [↑](#footnote-ref-17)
17. 1 . سورۀ اسراء، آیۀ 64 [↑](#footnote-ref-18)
18. 2 . سورۀ لقمان ، آیۀ 6 [↑](#footnote-ref-19)
19. 1 .سورۀ لقمان، آیۀ 7 [↑](#footnote-ref-20)
20. 2 .همان [↑](#footnote-ref-21)